

بنام خداوند جان آفرین

تاریخ ایل قراپاق

(بوزچلوی پیشین)

به انضمام

کتاب حرب الحسن

تألیف روانشاد حسن خان سرتیپ قراپاق

قدیمی ترین اثر دستنوشته

تاریخ ایل قراپاق (بوزچلوی پیشین)

و یادداشت‌های شادروان فقی خان بوزچلو

مؤلف و گردآورنده : فرود خسروی چپانه

انتشارات ادیبان

اورمیه ۱۳۸۹



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور:
تاریخ ایل قراپایاق (بوزچلوی پیشین) به انضمام کتاب
حرب الحسن (تألیف روانشاد حسن خان قراپایاق،
پادشاه تاجای نقی خان بوزچلو مؤلف و گردآورنده فرود خسروی چیانه
ارومیه: ادیبان، ۱۳۸۸.
۱۳ عکس-نمونه، عکس (بخش رنگی)
۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۸-۲۱-۰۰
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
فیا
موضوع:
قراپایاق
موضوع:
قراپایاق - تاریخ
شناسه افزوده:
حسن خان سرتیپ قراپایاق، قرن ۱۳ ق.
شناسه افزوده:
نقی خان بوزچلو، قرن ۱۳ ق.
رده بندی کنگره:
۱۳۸۸ ۵۲۳/۳۷ DSR
رده بندی دیویی:
۹۵۵/۰۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی:
۱۹۰۷۵۶۳

تاریخ ایل قراپایاق (بوزچلوی پیشین)
و کتاب حرب الحسن (تألیف روانشاد حسن خان سرتیپ قراپایاق)
مؤلف و گردآورنده: فرود خسروی چیانه
انتشارات ادیبان
چاپ اول: ۱۳۸۹، لیتوگرافی و چاپ: شریعت قم،
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
*** ۹۰۰۰ تومان ***

نشر و پخش

ارومیه: دانش ۲ پلاک ۱۵۷ صندوق پستی ۵۷۱۳۵-۱۵۵
تلفن ۰۴۴۱۲۲۴۳۸۲۵ همراه ۰۹۱۴۴۴۰۶۱۶۸ دورنگار: ۰۴۴۱۳۶۶۵۹۸۶
تهران: میدان هفت تیر اول قائم مقام فراهانی پلاک ۵ تلفن ۰۲۱۸۸۳۲۹۰۹۱
دورنگار ۸۸۳۲۸۲۸۲ - ۰۲۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۸-۲۱-۰۰

۱۱	پیش‌گفتار
۱۷	فصل اول: بخش اول؛ معرفی محال سلدوز
۱۸	جغرافیای طبیعی محال سلدوز
۲۴	فرآورده‌های زراعی و دامی سلدوز
۲۷	در باره نام محال سلدوز
۳۰	راه‌های سلدوز
۳۲	کارخانه و کارگاه
۳۳	فصل اول: بخش دوم؛ معرفی ایل بوزچلو - قراپاق
۳۴	ایل بوزچلو - قراپاق و جای نشین آغازین آن
۴۳	برگردان نام ایل از بوزچلو به قراپاق
۴۴	کوچ ایل به سوی محال سلدوز
۴۶	تقسیم سلدوز بین افراد ایل قراپاق
۴۸	مدارک و کتب مربوط به ایل
۵۰	نام آبادی‌های محال سلدوز
۵۵	جمعیت و ترکیب آن در سلدوز
۵۸	تیره‌های ایل قراپاق
۵۸	پیروان ادیان دیگر در میان ایل قراپاق
۶۴	سرپرستی ایل قراپاق
۶۷	فصل اول: بخش سوم؛ رویدادهای تاریخی مربوط به ایل قراپاق
۶۸	گوشه‌هایی از روشنگری رویدادهای تاریخی و کنونی ایل
۷۸	رونویسی اجرای وصیت‌نامه عباس میرزا نایب السلطنه به وسیله محمدشاه قاجار
۸۰	رونویسی سند واگذاری قصبه نقده به نقی‌خان سرتیپ
۸۱	اشاره‌ای به آشوب شیخ عبیداله شمرینی
۸۴	رویداد سالارالدوله
	آمدن عبدالحسین میرزا فرمانفرما به ساوجبلاغ و حجاج محتشم‌السلطنه
۸۸	اسفندیاری به آذربایجان‌باختری
۹۸	داستان حضور رضاخان(شاه) و ازدواج او در سلدوز
۹۹	چگونگی آموزش پدرم و دنباله آن

	رویدادهای جیلوها و کم شدن کشت و زرع، جریان آدم‌خواری و دست اندازی
۱۰۱	مامش‌ها به روستاهای سلدوز و ناراج گردیدن ایل قراپاق
۱۰۸	اظهارات قرنی آقا امیر عشایری در باره چگونگی کمک قراپاق‌ها به پیروت آغا
۱۰۹	دست‌اندازی اسماعیل آغا به محال سلدوز و آمدن میرزا ربیع کیری به سلدوز
۱۱۰	ماجرای شهادت ارس‌خان
	روبگردانی میرزا ربیع کیری در برخورد با قوای اسماعیل آغا و ناگزیری قاچاقچ
۱۱۲	و مهاجرت ایل قراپاق از سلدوز
۱۱۵	بدبختی‌های قراپاق در دروان مهاجرت
۱۱۸	بحثی در باره نژاد قراپاق
۱۲۰	بازگشت ایل از مهاجرت
۱۲۳	شرح حوادث مربوط به جیلوها و اسماعیل آغا از کتاب‌های تاریخی
۱۲۷	بازگشت دوباره قراپاق‌ها به سلدوز و شرح کشته شدن اسماعیل آغا در اشنویه
۱۳۰	شرح جنگ ایل منگور (جنگ ملاخلیل) با قوای دولتی
۱۳۲	آموزش مکتب‌خانه‌ای در روستای چانه و تأسیس اولین مدرسه در سلدوز
۱۳۹	حوادث مربوط به قبل از شهریور ۱۳۲۰
۱۴۰	رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ هجری خورشیدی
۱۴۵	حوادث پس از شهریور ۱۳۲۰ در سلدوز
۱۵۲	موضوع به قتل رسیدن امیرخان صولتی
۱۵۳	آمدن و جابجا شدن ایل بارزانی در جنوب آذربایجان غربی
۱۵۵	گردآوری اعانه از سوی شوروی‌ها
	رویدادهای پاگرفتن احزاب دموکرات در آذربایجان و کومله در مناطق کردنشین
۱۵۶	آذربایجان غربی
۱۵۷	دست یافتن فرقه دموکرات بر آذربایجان
	تشریح اوضاع سیاسی و اجتماعی سلدوز در دوره رضاشاه و بعد از حضور
۱۶۰	شوروی‌ها تا دهه ۱۳۴۰
۱۶۵	نقش قراپاق‌ها در وقایع ۱۳۲۲ تا تسلط فرقه دموکرات آذربایجان
۱۷۱	ایجاد امنیت در اورمیه توسط فدائیان قراپاق

۱۷۸	اوضاع سلدوز بعد از تسلط حکومت دموکرات‌ها
۱۷۹	بارزانی‌ها و رویدادهای پس از فروپاشی حکومت‌های آذربایجان و کردستان در سلدوز
۱۸۳	آغاز جنگ و زد و خورد با بارزانی‌ها
۱۸۵	شرح چگونگی حضور نفرات قراپاق در میادین جنگی درگیری با بارزانی‌ها
۱۹۳	روشنگری در باره متلاشی شدن گردان کلاشی
۱۹۷	شرح نقش افراد ایل قراپاق در جنگ با بارزانی‌ها
۲۰۶	سفر محمدرضا شاه پهلوی به آذربایجان غربی و گذر او از سلدوز
	بازگشت مجدد ملامصطفی و افرادش به خاک ایران و چگونگی رفتن آنها
۲۰۷	به شوروی و سرانجام آنها
۲۱۱	نظر ملامصطفی بارزانی در باره قراپاق‌ها
	تشریح برخورد افراد زاندارمری با مردم و نیز برخی رویدادهای سال‌های ۱۳۲۶ خورشیدی
۲۱۱	تا آغاز ۱۳۵۰
۲۱۵	اصلاحات ارضی و نتایج ناشی از آن
۲۲۴	رویدادهای پس از برپایی انقلاب اسلامی
۲۲۵	اوضاع ناامن نقده پس از انقلاب اسلامی
۲۲۸	چگونگی آغاز جنگ و کشتار سه روزه شهر نقده
۲۳۱	اوضاع سلدوز بعد از جنگ سه روزه
۲۳۲	دیگر رویدادهای پس از جنگ سه روزه نقده
۲۳۵	تشکیل گروهان‌های پاکسازی در سلدوز
۲۵۷	حادثه گردنه دوآب و رویداد کشتار مردم آبادی قارنه
۲۶۱	فصل دوم: بخش اول؛ فرهنگ، آیین‌ها و آداب و رسوم
۲۶۲	جامه مردان ایل قراپاق
۲۸۰	جامه بانوان قراپاق
۲۸۴	زبورآلات بانوان
۲۸۷	فصل دوم: بخش دوم؛ آیین‌ها و آداب و رسوم ایل قراپاق
۲۸۸	آیین زادن
۲۹۰	ختنه سوران

۲۹۱	آیین عروسی یا توی
۳۱۲	آیین سوگواری
۳۱۶	آمیختن قوچ‌ها به گله گوسفند
۳۱۸	آیین شب بلدا (چیلله قوودو)
۳۱۹	چیلله قوودو
۳۲۰	آیین‌های ملی
۳۲۱	آیین‌های نوروزی
۳۲۶	جشن نوروز
۳۲۹	دیگر آیین‌ها و بازی‌های نوروزی
۳۳۳	کال دؤیوشدورمک
۳۳۴	سیزده بدر
۳۳۴	رفتن به درّه سلطان یعقوب و دیگر آیین‌های ملی
۳۳۶	سوتول آچماق و قره‌خرمن
۳۳۷	رفتن به دریا
۳۳۹	رفتن به چشمه‌های آب معدنی
۳۴۰	رفتن به اجاق‌ها
۳۴۰	گذاشتن حدیک و قوورقا
۳۴۱	بازار هفتگی
۳۴۴	نمازلیق
۳۴۴	کارها و سرگرمی‌های دیگر
۳۴۹	گیاهان صحرایی قابل استفاده محال سلدوز
۳۵۳	فصل دوم: بخش سوم: رقص‌ها، پای کوبی‌ها و آوازهای ایل قراپاپاق
۳۵۴	رقص‌ها و پایکوبی‌های ایل قراپاپاق
۳۶۰	ابزار موسیقی قراپاپاق
۳۶۲	نام آوازهای ایل قراپاپاق
۳۶۴	چکامه‌ها و آوازهای ایل
۳۸۴	پایان نامه
۳۸۵	پیوست‌ها:

۳۸۷	قراپاق کیست؟ و وجه تسمیه آن کدام است؟
۳۹۶	غانله شیخ عیداله
۴۰۶	آغاز جنگ بین الملل و عوارض حاصله آن در وضع سلدوز
۴۱۳	مسئله حمزه بگ
۴۲۰	روشنگری از سوی نگارنده در باره مرگ حمزه بگ
۴۲۱	قضیه ظهور آنوریا (جیلو) در اورمیه و اطراف
۴۵۱	روشنگری از سوی نگارنده در باره یادداشت های نقی خان بوزچلو
۴۷۱	"حرب الحسن" تاریخ پیشین ایل بوزچلو (قراپاق)

به نام خداوند جان و خرد

پیش گفتار

درود و سپاس بی پایان بر درگاه پروردگار توانا که این همه نعمات گرانقدر را به آدمیان ارزانی فرموده که زبان از شکرگذاری آن باز می ماند.

اگر دنیای کائنات به آن بزرگی را به نظم دقیقی که بر گردشش فرمانرواست، بنگریم که با یاری دوربین های نجومی تا پانصد سال نوری را دیده و هنوز به گوشه ای از آن نمی رسند و یا پیرامون خودمان را نگاه کنیم، هر تک برگ رستی را که نیک بنگریم، خواهیم دید که چه استادی و ظرافت در ساختمان آن به کار رفته و چه کارهای حیرت انگیز و باورنکردنی را این برگ ناقابل انجام می دهد که خرد از بینش آن سرگشته و حیران است و به گفته چکامه سرا:

دل هر ذره ای را چو بشکافی آفتابیش در میان بینی

با اشاره به این موضوع در این زمان که آفتاب عمرم به لب بام رسیده است با تأییدات پروردگار توانا، اگر عمری باقی باشد برای اینکه گذشته های ایل قراپاق در زیر لایه های تاریخ مدفون نگردیده و دست کم یادداشت هایی هر چند نارسا و ناکامل در دست باشد، اینجانب با این سواد کم مایه خود تا آنجا که برآیم میسر است، مبادرت به گردآوری برگ ها و مدارک پراکنده موجود و نیز یادداشت شنیده ها و دیده های خود در رابطه با تاریخ ایل بوزچلو - قراپاق می نمایم؛ زیرا هر اندازه که فرهنگ و تمدن جدید در میان جوامع بشری بیشتر رشد می نماید، به همان نسبت دلبستگی و دوستی و الفت و پیوستگی های خانوادگی هم، رو به نیستی گذاشته و ماشینی می گردد. به ویژه که از زمان جای گیری اتومبیل و دیگر وسایل موتوری به جای اسب، ایلات و عشایر هم کیفیت ایلیت و نظم و ترتیب و آداب عشایری خود را از دست داده اند و به همین خاطر بر این باورم تا

یکی دو نسل دیگر هرگز کسی نداند در گذشته کجایی بوده و نسبش به کی می‌رسد؛ بنابر همین انگیزه است که با کمی سواد و نبود منابع کافی در دسترس، دست به قلم برده‌ام. آنچه پیش از اینجانب دست نوشته‌ای از ایل به جا مانده است، بجز از فرامین و برخی نامه‌ها که درک آن جز بر خبرگان وارد، برای افراد عادی دریافت‌پذیر و قابل خواندن نیست، چهار مورد دست نوشته موجود داریم به شرح زیر:

۱- تاریخ خطی شادروان حسن خان سرتیپ نیای بزرگ خانواده‌های مظلومی‌ها، حمیدی‌ها و حسن‌خانی‌ها به نام «حرب الحسن» که به دستور و گفته‌های آن شادروان نگاشته شده و مهم‌ترین و درست‌ترین سند تاریخ موجود به حساب می‌آید. زیرا نامبرده از آغاز کوچ ایل از ولایت گرجستان تا ورود به سلدوز و زمانی پس از آن را هم که خود حاضر و ناظر بوده است، به خوبی و روشنی به رشته تحریر در آورده است که اکنون همراه بیشتر فرامین مهم، در اختیار آقای پرفسور دکتر امیر هوشنگ مهریار (انشا الله خان) - فرزند پسر دوم شادروان نقی خان بوزجلو، - می‌باشد که فتوکپی آن را برایم فرستاده‌اند.

۲- یادداشت‌هایی نوشته دایی اینجانب شادروان حسین پاشاخان امیرفلاح است که آن هم با اشاره‌ای به گذشته شامل دوران خود ایشان تا دوره جنگ نیروهای دولتی با بارزانی‌ها یعنی تا سال ۱۳۲۶ هجری خورشیدی می‌باشد که یادداشت‌های ایشان را اینجانب در دوره خدمت وظیفه سربازی (سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ خورشیدی) که در شهر رضائیه، - در منزل آن شادروان بودم - شخصاً پاکت‌نویسی نموده بودم و در نزد فرزند پسر بزرگشان آقای دکتر عباس امیرفلاح بود. گویا همان‌گونه که در یادداشت‌های اینجانب آمده است، نسخه پاکت‌نویسی شده به خط اینجانب در دسترس نمانده ولی به گونه‌ای که خودشان در گفتگوی تلفنی گفتند، دست‌نوشته و مینوت آن هنوز در دست خودشان است که تلاش من برای به دست آوردن فتوکپی آن تا کنون بی‌نتیجه مانده است.

۳- یادداشت‌هایی به خط شادروان نقی خان بوزجلو است که ایشان هم اشاراتی به گذشته کرده و هر چند به سبب زیادی سن و فشار و ناراحتی‌های به دست آمده پیش از فوت، اشتباهات کوچکی داشته و پاره‌ای از جاها مطالب را دوباره نویسی کرده‌اند ولی

چون به تاریخ قراپاپاق دلبستگی داشته و بررسی‌های زیادی در این مورد نموده و بیشترین و مهم‌ترین فرامین و نامه‌های پیشین ایل قراپاپاق نزد ایشان بوده و خود مردی ادیب بود و فارسی نیک می‌نوشت، تاریخ خوبی از آب در می‌آمد که متأسفانه اجل مجالش نداد.

نگارش ایشان هم تا دوره جنگ جهانی اول رسیده و در آنجا باز مانده است. این یادداشت‌ها هم در اختیار پسر بزرگ ایشان آقای امیر ماشا الله خان بوزچلو می‌باشد که فتوکپی آن را به من فرستاده‌اند.

۴- آن گونه که شنیده‌ام یادداشت‌هایی هم آقای یوسف قهرمانپور ساکن نقده از چندین دهه پیش، مرتب نگاشته‌اند ولی من از چگونگی بیشتر آن آگاهی ندارم و نمی‌دانم درباره تاریخ ایل است و یا رویدادها و یا آداب و رسوم و یا هر سه.

به غیر از این‌ها آن گونه که شنیده‌ام دو شخص دیگر به نام‌های آقایان: اروج عباسی و محرم حسینی نگارش‌هایی در این زمینه دارند ولی چون به منابع مهمی دسترسی نداشته‌اند، بر این باورم که اصولاً نباید چندان ارزش تاریخی داشته باشند.

بجز از اینها دو کتاب هم یکی به نام «ایل قاراپاپاق» به کوشش آقای مهدی رضوی و دیگری به نام «نگاهی به تاریخ و فرهنگ ایل قاراپاپاق» تألیف آقای عیسی یگانه به چاپ رسیده و این جانب هر دو کتاب را دارم و گو اینکه زحمات زیادی در این باره کشیده‌اند ولی متأسفانه اشتباهات تاریخی بسیاری دارند که اینجانب اشتباهات تاریخی آنها را با ارائه مدارک مربوطه به هر کدام جداگانه نوشته و فرستاده‌ام تا چنانچه اقدام به تجدید چاپ نمایند، لااقل آن اشتباهات تکرار نگردد.

با اشاره به مراتب یاد شده اگر اینجانب آگاهی‌هایی را که درباره زادگاه خود و مردمان آن آنچه در این گردش زمانی دیده و از سالمندان دوران جوانی خود از زبان پدر بزرگم شادروان خسروخان امیرتومان قراپاپاق، رئیس ایل و دیگر خویشاوندان، گیس سفیدان، پیش سفیدان و گذشتگان شنیده‌ام، ناگفته گذاشته و من نیز مانند آنها از این جهان فانی به سرای باقی بروم، دستاورد چه خواهد بود؟ هیچ. اما از آنجایی که در این گردش زمانی که می‌بینم ایل قراپاپاق که در جای سکونت کنونی خود حدود یکصد و شصت سال زندگی

عشایری داشته و دیرینگی آن را از زمانی که از محال بوزچلوی بخش وفس پیرامون همدان به گرجستان کوچ داده شده است، گفته‌هایی درباره تاریخ خود دارد ولی افسوس از آغاز پادشاهی سلسله پهلوی، مانند دیگر ایلات و عشایر کشور برابر سیاست حکومت مرکزی رو به ناتوانی گذارده و در این چند سال پسین با رخداد حوادث جدید در ایران، تیشه به ریشه ارزش و شوکت و آداب و رسوم سیصد و پنجاه ساله ایل زده شد که بر این باورم تا یکی دو نسل دیگر خود کسان ایل هم ندانند که جزء افراد ایلی به نام قراپاق بوده‌اند، بنابر این دینی بر گردن خود می‌بینم که در این باره بیکار ننشسته و دست کم، با کمی و ضعف توانایی آموزش فرهنگی، آنچه در توان دارم چند کلمه‌ای درباره گوشه‌های تاریک تاریخ گذشته و کنونی این ایل غیور که برابر فرامین و اسناد در دسترس - که روزگاری از سر آمدان همه‌ی عشایر ایران بوده‌اند، - نوشته و شجره نامه سیصد و پنجاه ساله سرفرصت آن را نیز آماده نمایم.

به درگاه پروردگار توانا سپاسگزارم که این امکان کار را به من ارزانی فرمود که توانستم شجره نامه گفته شده را فراهم کنم که هم اکنون تا سال ۱۳۶۸ هجری خورشیدی آماده می‌باشد و درباره تاریخچه ایل هم نگارش‌های گذشتگان را گردآوری و با اندک رسیدگی‌هایی که خود با بازنگری به پاره‌ای کتاب‌های در دسترس آماده نموده‌ام به آن می‌افزایم. شاید پس از من، جویندگان دیگری از چشمه‌های بیشتری درباره گذشته تاریک این ایل آگاهی‌های دیگر و بهتری به دست آورند.

برای راهنمایی کسانی که پس از من بخواهند در این باره به پژوهش پردازند، بازگو می‌گردد که بخش تاریک تاریخ این ایل در این است که در چه سالی از محال بوزچلو میان شهرهای اراک، همدان و ساوه - که یکی از سه دهستان بخش وفس است - و از آنجا به گرجستان کوچانده شده‌اند و پیش از آن کجا بوده؟ و در چه تاریخی به محال بوزچلو کوچانیده شده و یا خود کوچ نموده و ریشه این ایل به کجا می‌رسد؟ دیگر کسان این ایل که چندین برابر کسان نشیمن گرفته در محال سلدوز بوده‌اند، هم اکنون در کجاها نشیمن گرفته‌اند؟

ناگفته نماند: برابر اسناد به دست آمده، دسترسی‌هایی هر چند ناقص به این پرسش‌ها پیدا کرده‌ام که خواهد آمد و باید باز هم دنبال و پیگیری گردد.

در پایان این پیش‌گفتار برای شناساندن خود متذکر می‌گردم که: نامم فرود، فرزند شادروان غلامرضا خان، شهرتم خسروی چیانه، زاده بیستم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ هجری خورشیدی در روستای چیانه از محال سلدوز هستم - که در سال‌های دهه سی به نام شهرستان نقده برگردانده شده - و مادرم شادروان بانو تلی فرزند روانشاد ایلخانی خان امیرفلاح بوده و بیش از پنجاه سال در روستای چیانه زندگی کرده‌ام.

فرود خسروی چیانه

هانور آلمان ۱۳۸۲